

کرزی طی یک دهه چه میراثی از خود بجا گذاشت؟؟؟

(انواع پدیده های منفی چون: تفنگ سالاری، ماجراجویی، خویشخوری، رشوت ستانی، بی مسولیتی، چور و چپاولگری، زورگویی، منطقه پرستی، روزگذرانی، زورگویی، خود سری و قانون ستیزی و . . .)

قسمت اول – (صبح)

گویند زوال چپاولگران می آید

آبی رفته به جویباران می آید

قانون که مسیرش در جنگل بود

یک روزی به افغانستان می آید.

هیئت رهبری دولت کنونی را یکی از بی اراده ترین، بی اداره ترین، ضعیف ترین، روزگذران ترین، بی مسولیت ترین، بی پروا ترین، گوشه گیر ترین، بی خبر ترین اداره از درد میهن و ملت، رئیس دولت را یکی از راحت طلب ترین، مصلحت گرا ترین، روزگم ترین، بی کفایت ترین، بی شهامت ترین، وعده خلاف ترین، بی تصمیم ترین، شوقی ترین زمامدار به سفر خارج، با فاصله ترین حاکم از مردم وطن میابیم. چنین است که گراف جرم و جنایت بالا رفته است، دولت و مقامات بلند پایه با جنگ و دندان بخاطر چور و چپاول دارایی عامه بجان ملت افتیده اند .

هیچ عاملی در تعیین سرنوشت یک جامعه و سعادت مند شدن آن مهمتر و تعیین کننده از مردم نیست. مردم مهمترین عامل دوام و بقای یک حکومت در جامعه محسوب می شوند. بدون مردم هیچ دولتی مشروعیت نخواهد داشت و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. دولتها همیشه در تلاش بوده اند، اعتماد مردم را به خود جلب کنند تا بتوانند به اهدافی که در نظر دارند، دست یابند. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که بدون جلب رأی و نظر مردم هیچ هدفی محقق نخواهد شد.

افغانستان کشوریست که در آسیای مرکزی واقع گردیده و یگانه مسیر ارتباطی بین آسیای غربی، آسیای میانه و شبه قاره هند میباشد. افغانستان با موقعیت حساس و استراتژیک که دارد همیشه مورد توجه و تاخت و تاز امپراتور ها و ابر قدرت های جهان قرار گرفته، که هر کدام شان علاقمندی بخصوص در دستیابی به این خطه تاریخی و دوست داشتنی داشتند. افغانستان با داشتن سطوح مرتفع که کشور را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کرده و خصلت جنگجویانه و استیلا ناپذیری مردم این سرزمین همیشه درد سر بزرگ به این ابرقدرتها بوده است که خود در آتش و ویرانی سوخته و سد مستحکم و یا منطقه حائل در بین قدرتها قرار گرفته است.

افغانستان وطنی است دوست داشتنی و خاکی است پرستیدنی و قرن‌ها فرزندان شجاع، غیور و وطنپرست آن برای این خطه بزرگ و دوست داشتنی سر داده و جان را قربان نموده اند. درینجا مکتی کوتاه داریم به واژه وطن پرستی.

برای دانستن معنای وطن پرستی نخست به معنای وطن پرداخته شود، معنی واژه وطن در لغت نامه دهخدا: . . . جای بود و باش، محل اقامت، مقام و مسکن و . . .

فرهنگ پارسی معین نیز به معنای مقیم شدن در جایی، اقامت در جایی، محل اقامت، جای بود و باش، شهر، زادگاه و نیز کشوری که شخص در یکی از نواحی آن متولد شده و نشو و نما نموده باشد. تذکره داده شده است. اما برای دانستن معنای واژه پرستی یا پرستش، این واژه مشتق از واژه پرستار گرفته شده. پرستار از دو جزء تشکیل شده است، نخست آن پرستی که معنای پیرامون و دورا دور رامی دهد و منظور از این واژه پرستش یعنی دورا دور هستی یک چیزی گشتن و آنرا به تمامی حفظ کردن است، بسان پرستاری که دورا دور مریضش می گردد تا از او مراقبت کند، بنابر این وطن پرستی به معنای دورادور هستی وطن گشتن و آنرا حفظ کردن و آن را از هر گونه گزند محافظت کردن است.

وطن فقط مثنی خاک است که باید آنرا عزیز داشت و از چهارگوشه آن مراقبت کرد و یا وطن را باید خاکی فرا انسانی، فرا مذهبی و فرامعنوی دید که با هستی و نیستی و گوشت و پوست و خون انسان گره خورده است؟ وطن باید برای وطنپرستان مهم ترین و با ارزش ترین دارایی باشد.

ما که وطن و زادگاه ما را که افغانستان است، وظیفه داریم تا از آن در برابر هر گونه تجاوز و تخطی حراست نموده و همچنان از هویت، تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات پر بار و کهن آن که بما بمیراث رسیده بسان چشم درمقابل همه اجنبی ها و بیگانگان محافظت کرد و دست نخورده و ناب و تحریف نشده، تقدیم نسل های آینده نمایم. انسانهای وطن پرست، جان خود را برای حفظ و زنده نگاه داشتن فرهنگ، هنر، تاریخ و هویت ملی کشور خود نثار مینمایند. یک انسان وطن پرست، تاریخ، وقایع و رویدادهای کشورش بداند و درمورد تاریخ کشورش مطالعه کند تا بتواند دوست را از دشمن و حقیقت را از دروغ تشخیص دهد. (1) میگویند - انسان با ریشه و فرهنگ یکسان برای خود محدوده و مرز ساخته است و نام آن را وطن نامیده است، وطن یا میهن مکانی است که خود و اجدادش در آنجا بدنیا آمده باشند. وطن جای است که انسان در آن زنده گی می کند، کار می کند، تولید می کند، شادی می کند و غمگین می شود.

چه کسانی وطن فروشند؟ سوالی است مهم و حیاتی که برای آن پاسخهای بسیاری داده اند. بعضی این افراد را خیانتکار، بعضی جاسوس و برخی بی هویت می نامند. وطن فروش کسی است که راههای تزلزل کشورش را برای بیگانگان فراهم نماید، خائن کسی است که غیرت ملی نداشته باشد، بی هویت

کسی است که با حفظ منافع خود دارونداری دیار خود را به تاراج میبرد. وطن فروش کسی است که با بیگانگان بر سر استقلال ملی و تمامیت ارضی و مردم کشورش به معامله و خیانت می نشیند و برای مادر وطنش ارزش و احترام قابل نیست و دردی مردم کشورش را نمی بیند و سرمایه های مادی و معنوی کشور را در دسترسی خارجیان می گذارد و قرار داد می بندد و معامله میکند. در فرجام وطن پرست کسیست که نام وطنش را زنده نگهدارد، و ثابت کند که به سرزمینی تعلق دارد که جزء از زنده گی و تار و پودش است. (2)

در میهن ما طی قرون متمادی فرزندان رشید و دلاوری این مرز و بوم برای حفظ و نگهداری آن خون ریخته اند و پرچم غرور آفرین آنرا برافراشته نگهداشته اند، با اندوه زیاد مدتی است که کشور در خونش شنا و دار و ندارش به یغما برده شد و بعد از سالهای ۲۰۰۱ منتظر بودیم که زخمهای خونین آن مداوا خواهد شد و با آمدن قوای ائتلاف و به قدرت رسیدن کرزی جنگ و جنایت به پایان خواهد رسید و متأسفانه کرزی نتوانست افغانستان را اداره و کشور را از تباهی و بدبختی نجات بدهد. فساد اداری در دستگاه دولت به اوج خود رسیده است. همچنین موسسات غیر دولتی که بخشی از امور بازسازی را برعهده دارند اغلب آنها پولهای مردم فقیر و بیچاره را بدون هیچگونه حساب و کنترولی حیف و میل نموده و به قول وزیر سابق پلان رمضان بشر دوست موثرهای آخرین سیستم دنیا و لوکس ترین خانه های کابل را این موسسات از پولهای کمک به کشور در اختیار داشته و مشغول عیش و عشرت اند.

ناامنی و خشونت بیشتر شده و درسالهای اخیربیشتر از گذشته بیداد مینماید. گروههای مسلح شخصی و تنظیمی در همه جا وجود دارند و تهدید بزرگی محسوب میشوند. پروسه خلع سلاح به تاریخ سپرده شد و زورگویان و جنگسالاران با گذشت هر روز به قدرت بیشتر دست پیدا میکنند و بر سرنوشت مردم حاکم میشوند. فرانسویس و ندرل نماینده خاص اتحادیه اروپا در افغانستان، در سمینار افغانستان در پارلمان فنلند اظهار داشتند که ما برای جلوگیری از نقض حقوق بشر می خواهیم که ناقضین حقوق بشر و جنگسالاران دیگر بر سر قدرت نباشند، ولی عملاً دیده می شود که جنگسالاران و جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر در قدرت شریک اند و همچنان برای شرکت عده ی دیگر از آنها مانند «طالبان» تلاش بخرج داده می شود. «طالبان» هنوز هم دست از جنایات خود بر نداشته و هر روز به کشور زیانهای سنگین جانی و مالی می رسانند و امنیت ملی را به خطر می اندازند، ولی رئیس دولت آنان را برادر میخوانند. تروریستان بین المللی، «طالبان»، حزب اسلامی و افراد فساد پیشه و منفعت طلب دوباره تجدید قوا کرده و هر روز فاجعه می آفرینند.

مردم مظلوم، خسته از جنگ و تاراج شده، می گویند که خانه های بزرگ با زرق و آسمانخراش های مجلل در پایتخت و ولایات نمونه انکار ناپذیر فساد اداری و چپاولگری ملی در دولت می باشد و

قصرهای شاهانه و چند منزله با تزئینات خیره کننده در کشور بنام قصرهای چور و چپاول یاد می شوند و به نظر مردم کسانی مالک این قصرها اند که در جنایات و فساد اداری دست دارند. اکثریت این خانه ها در شیرپور اعمار شده اند، که مردم آن رابنامهای شیرچور و چور پورمسا نموده اند. که با چنین یک فرهنگ چپاولگری و معافیت در رده های بالای حکومت، مردم چه گونه می توانند از این دولت حمایت کنند. غصب زمین ها و اعمار خانه های مجلل و بلند منزل ها به گفته مردم، تیشه «طالبان» را دسته می دهد و آنها مردم را تشویق می کنند که از چنین یک حکومت فاسد متنفر باشند.

ثروتمند شدن تعداد فساد پیشه و چپاولگر از یکجانب و حاکمیت شرکت های امنیتی و انجوهای داخلی و خارجی شرایط را برای مردم ناممکن ساخته است، داشتن خانه شخصی برای مردم امکان پذیر نیست، زیرا نرخ خانه ها بیش از حد بلند رفته است. از سال دوهزارویک میلادی تا اکنون یعنی بعد از سقوط نظام «طالبان»، شصت میلیارد دالر کمک به کشور سرازیر شده که صدها ملیون آن برای مصارف خارجی هابه مصرف رسیده و مقدار زیاد دیگر آن به شکلی از اشکال حیف و میل شده است. باوجود همه این فساد و خیانت و نظربه شکایات وارثین قربانیان جنگی، راپور های بیشمار و مکررکمیته حقوق بشر درارتباط با جنایتکاران جنگی و تفنگسالاری و آنانی که طی سالیان درازبا قدرت تفنگ از هیچ نوع زور گوهی و ظلم و مردم ازاری چوروچپاول وحتى کشتار ملت ابا نورزیدند. اشرف غنی احمدزی عملکرد دولت حامد کرزی را به انتقاد گرفته و اظهارداشت:

با اینکه جامعه جهانی درمورد دولت سازی در افغانستان به اتفاق نظر رسیده است، اما برنامهریزی های ضروری برای اجرای هماهنگ نظارت بر این طرح هنوز وجود ندارد. وی که در گفتگو با روزنامه چراغ چاپ کابل سخن می گفت اظهار داشت: در کشورهایی که در افغانستان نیروهای نظامی دارند نیز درباره درستی این تصمیم دچار تردید شده اند. در فاصله این سالها در افغانستان پیشرفت های برای استقرار یک دولت مشروع مرکزی که به تدریج اعتماد مردم را جلب کند، حاصل شد، اما اکنون بنظر می رسد که دولت توان بالقوه حرکت دراین زمینه را ندارد. وی همچنین برای نجات از این بن بست راه رهایی را پیشنهاد کرد و گفت- ابزارها و سرمایه های هنوز هم در افغانستان وجود دارد که از آن می توان در جهت بهبود اوضاع استفاده کرد و حامد کرزی می تواند قاطعانه عمل کند و نام خود را به عنوان بنیانگذاری آبرومند ثبت نماید یا در ردیف کسانی در تاریخ از وی یاد شود که فرصت طلایی را از دست داده اند.

در درجه اول باید یک محکمه عالی تاسیس شود ثانیاً در مبارزه با فساد کمیسیون هایی تشکیل بدهند که قادر به جلوگیری از فساد در عالیترین سطح باشد. ثالثاً آنها باید در پی حکومتداری صحیح باشند و

برای نسل جوان فرصتهایی را ایجاد کنند. وی همچنین بر طرف کردن عدم توازن میان بودجه نظامی و توسعه کشور از سوی جامعه جهانی را علاج دیگر بحران فعلی می داند.

از طرف دیگر دفتر ملل متحد در افغانستان نسبت وجود فساد در دستگاه حکومت ابراز نگرانی کرده است. سخنگوی قبلی دفتر نماینده گی ملل متحد در یک کنفرانس خبری در کابل می گفت که آلوده گی رو به افزایش مقامات به انواع فساد، تهدیدی برای حاکمیت ملی و امنیت در افغانستان است. از جامعه جهانی نباید انتظار داشت که از ادارات و مسئولان آغشته به فساد پشتیبانی کند و این موضوع برای مردم عادی نیز قابل پذیرش نیست. به گفته ادوارد - فساد و نا امنی دو روی یک سکه است و جایی که فساد باشد در آنجا نا امنی نیز وجود دارد. ادامه فساد در حکومت به کاهش حاکمیت دولت مرکزی در ولایات منجر خواهد شد. وجود فساد اداری در دستگاه حکومت از آن دسته انتقادهای است که حکومت همواره با آن مواجه بوده است، آنچه که حکومت کرزی از نخستین روزهای تشکیل متعهد به مبارزه با آن شده بود. ولی در این مشکل به جای کاهش، رو به افزایش نهاده است.

دوام این حالت در کنار نارضایتی مردم نگرانی برخی سازمان های جهانی را نیز برانگیخته است. موضوع فساد در دستگاه حکومت به یکی از بحث های محوری مطبوعات غربی نیز تبدیل شده چنانچه در یکی از شماره های روزنامه واشنگتن پست - مطلبی از خرید و فروش پست های بلند دولتی بمیان آمده بود.

از جانب دیگر سیاسیون یک تصویر تیره و تار را در مورد دولتی که همیشه متکی به غرب بود و اکنون خواهان خروج این قوای از افغانستان است، ترسیم می کنند. این درحالیست که کشورهای غربی نیز از فساد اداری و کار ناپیزی که در ساحه ایجاد ظرفیت ها و تقویه مؤسسات دموکراسی در کشور انجام شده، خسته شده اند.

کندیس راندیوکس، کارمند اداره بین المللی بررسی بحران ها اظهار داشت که اداره رییس جمهور کرزی تمام ثروت سیاسی خود را به مصرف رسانیده است، آن هم در حالی که ایالات متحده و ناتو که از سال ۲۰۰۱ میلادی بدین سو میلیاردها دالر را به افغانستان داده، می خواهند عملیات نظامی را در افغانستان تا سال ۲۰۱۴ میلادی کاهش بدهند. اداره بین المللی بررسی بحران ها در گزارش اخیر خود می نویسد بدون کمک های خارجی حکومت کرزی سقوط خواهد کرد، «طالبان» بخش اعظم کشور را تحت کنترل خواهند گرفت و ترس از آن وجود دارد که افغانستان دوباره به گرداب جنگ های داخلی دهه نود میلادی فرو رود. به نوشته رویترز، بعد از سی سال جنگ امیدواری هایی که در چند سال اخیر در ساحه صلح، اعمار مجدد مؤسسات اداری افغانستان از جمله سیستم عدلی و قوای امنیتی، ایجاد شده بود، دوباره کاهش یافته است.

همزمان با این که مشروعیت حکومت کرزی روزبروز بیشتر با سوال روبرو می شود، کرزی وقت زیاد خود را در تلاش برای حفظ توازن بین منافع خانواده گی، فرماندهان محلی، قدرتمندان با نفوذ و جامعه جهانی مصرف می کند که این تلاش ها در موجودیت درجه بالای فساد اداری و رشوت، فعالیت حکومت را خنثی ساخته، مانع اصلاحات شده است. کرزی که یک زمانی شریک مهم غرب به شمار می رفت، امروز برای غرب مانند یک بار دوش می باشد. در چنین حالتی مردم عادی کشور در سر راهی قرار گرفته اند. عضو شورای بین المللی امنیت و ترقی مک دانلدز به خبرگزاری رویترز گفته است هیچ جای شک وجود ندارد که مردم عام به انتخابات علاقه دارند، مخصوصاً نسل جوان اما همزمان با آن، کسانی که قدرت در قبضه آن هاست، از هر وسیله ممکن استفاده خواهند کرد تا قدرت از چنگ آنها خارج نشود. در جامعه جهانی نیز نه تمایل سیاسی و نه هم تجربه کافی وجود دارد که بتواند راه بیرون رفت از این بحران را پیدا کند.

من همان قدر شکایت از موجودیت فساد دارم که اگر به شما همین حال بگویم، می ترسم که دستمال ها را بیرون آورده و اشک های خود را پاک کنید.

این سخنانی است که عزیزالله لودین رییس اداره عالی مبارزه با فساد اداری در کمیسیون عدلی و قضایی مجلس گفته است. متأسفانه دامن فساد در کشور به اندازه بی گسترده است و روزی نیست که شکایتی از موجودیت فساد در ادارات دولتی حکومت افغانستان نباشد و همچنان کسی را پیدا نمی توانیم که از زیاد بودن میزان فساد و گسترده گی این پدیده در کشور آگاه نباشد. امروز به راحتی می توان گفت که فساد اداری گسترده در افغانستان واقعاً اشک آور و ناراحت کننده است. میلیون ها دالر پول کمک شده به افغانستان که باید بخاطر بهبود وضعیت زنده گی افغانها و بازسازی افغانستان به مصرف می رسید حیف و میل شد و یا به جیب فساد پیشه گان رفت.

از بدو تشکیل حکومت کرزی تا به امروز اکثر کسانی که وارد دستگاه حکومت شدند، به فکر پر کردن جیب خود بودند و پس از اینکه جیب هایشان را پر کردند به شکلی خود را از دستگاه حکومت خارج نمودند و حکومت کرزی تبدیل به ماشین پول به فساد پیشه گان تبدیل شده است. کرزی نیز از وضعیت موجود چندان ناراضی نیست و با سکوت نظاره گر چور و چپاول کارمندان است و هیچ اقدامی نمی کند در حقیقت کرزی چشم را بسته است تا فساد پیشه گان به راحتی بر چپاول دارای های مردم بپردازند. یکی از دلایلی که طی ده سال حتی یک شخص هم به جرم فساد، محاکمه و مجازات نشد نیز همین است که اگر یک فساد پیشه به جرم فساد محاکمه و مجازات میشد- آن وقت دست تمام فساد پیشه گان در ادارات حکومت و در ارگ نیز کوتاه میگردید.



دلها برمسندش خسته و غمگین
گره ها باز نشد از روی جبین
اگر عزم من و تو جزم گردد
نه تفنگ ماند و نه تاجری دین.

کرزی و معاونین و کابینه دولتش در این چند سال تا جایی که توانستند به قانون شکنی روی آوردند و تا توانستند با دموکراسی، آزادی عقیده و بیان در کشور مقابله کردند و نقض حقوق بشر را گسترش دادند. عقب نشینی از برنامه ی عدالت انتقالی، تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، افزایش سانسور رسانه ها و خبرنگاران، گسترش قدرت جنایتکاران و حمایت قاطع از آنان، همه و همه نشان از این است که این رژیم به هیچ وجه با دموکراسی، حقوق بشر، مردمسالاری و عدالت اجتماعی اعتقادی ندارند.

اعتماد مردم بزرگترین سرمایه و ماندگارترین تحفه ی است که نصیب وطنپرستان ملی و سیاستمداران مردمی میگردد و این سرمایه بی بدیل به تدریج در گذر زمان و به سختی و با تلاش صادقانه به دست می آید.

روزها و ماهها و سالها می گذرد تا اعتماد مردم نسبت به یک شخصیت وطنخواه و میهن دوست انباشته می شود و هنر یک زمامدار این است که در مسیر فعالیتها با اصل قرارداد صداقت و تلاش مردم مدارانه از اعتمادی که به تدریج به دست می آورد به خوبی حراست و حفاظت کنند و برای توسعه و گسترش آن بکوشند.

خدمت مردم پسندانه و حس میهن دوستانه همراه با عملکرد صادقانه، می تواند آثار خوب و مثبتی بر حاصل کار داشته باشد و دستیابی یک شخصیت ملی را به اهدافش تسهیل کرده و تسریع ببخشد.

تطابق نداشتن عملکردها و شعارها نه تنها موجب گسترش اعتماد عمومی نمی شود بلکه می تواند آثار منفی آن روزبهروز لطمات جبران ناپذیری را وارد سازد. لذا یکی از بزرگترین وظایف دولتمردان

وطنپرست، پاسداری از اعتماد عمومی به روشهای مختلف است تا این سرمایه‌ی اجتماعی دستخوش آسیب و نابودی نشود.

افغانستان کشوری که در آن پشتون- تاجیک- هزاره- ازبک- ترکمن- قزلباش- جوگی- طاهری- گوارباتی- شادی باز- براهوایی- گوجر- تیرابی- تایمنی- عرب- شیخ محمدی- مونجانی- موری- مغول- سیگ- زوری- قرغیز- یهودی- شیغنایی- اشکاشمی- جت- قچاق- سنگلیچی- قارلیق- تیموری- پیکراغ- میش مست- روشانی- فارسی- فیروز کوهی- پاراچی- قزاق- واخی- غوربت- جمشیدی- ایماق- وانگ والا- ملیکی- نورستانی- ارموری- بلوچ- جلالی- تاتار- کوتانا- هندو، زنده گی باهمی و همیاری و همکاری ملی داشتند و طی این چند سال نسبت خیانتها و روزگزارانها تا حدودی این همبستگی وطنی و ملی خدشه دار گردیده آینده امیدواریم باکاری و وطنخواهانه زمامداران، این همیاری ملی روندی اصلی اش را ببینیم. متأسفانه سالهای سال است که نسبت کرسی خواهی و قدرت طلبی، دزدی و چپاولگری، حزب و تنظیم بازی، دروغ و ریاکاری، فریب و نیرنگ، بیگانه طلبی و اجنبی پرستی، قوم و ملیت خواهی و کشتن بستن و بردن، برای اکثریت مردم سرنوشت گروههای مختلف سیاسی مهم نبوده و نیست چون بارها و بارها بر سر آبرو و عزت آنها با عناوین مختلف زیبا و فریبنده معامله صورت گرفته است. و مردم در مقاطع مختلف مظلوم و تنها قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروههای مختلف نظامی و سیاسی شده اند بدون اینکه در زنده گی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هرگاه که جنک بر سر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می گیرد کسانی که بیش از همه ضرر می کنند و قربانی می شوند، مردم هستند که در کوران حوادث همواره باید تاوان خود خواهیها و قدرت طلبی های رجال سیاسی خویش را بپردازند. حکومت و کابینه فعلی افغانستان یکی از بیکاره و بی ارزش ترین اداره بعد از حاکمیت تنظیمی و طالبی است که با گذشت هر روز از ارزش ملی و از اعتماد جامعه نسبت به آن کاسته میشود.

فساد مالی، رشوت ستانی و بیکاری. خورد و برد کمکهای خارجی به وسیله وزارتخانه‌ها و دیگر ارگان های دولتی و کند بودن اعمار مجدد. سران و فرماندهان دیروزی در زیر چشم هزاران عسکر امریکایی و ناتو به تولید و تجارت بیسابقه‌ی هیروئین و چور و چپاول دارایی عامه و ثروت ملی مشغول بوده که وطن را مجدداً در صدر لیست کشورهای تولید کننده هیروئین قرار داده‌اند. با وجود ادعاهای مبنی بر آزادی بیان، فریادها در گلو خفه می گردند و آنانی که جرئت ابراز نظرات غیرسازشکارانه را دارند با لت و کوب و تفنگ و تهدید روبرو می‌شوند. با وجود این که گاهگاهی بوی جنایات سران قدرت و اقارب و همدستان شان در مطبوعات جهانی نیز بالا می‌گیرد اما این ها بدون کوچکترین توجهی به این رسوایی و به چور و چپاول مردم ادامه می‌دهند.

بی توجهی، فسادورثوت ستانی، چپاولگری، مواد مخدر و فساد اداری کشور را در لبه پرتگاه قرار داده است، اوضاع کنونی و قحطی و گرسنگی و بیکاری بی سرنوشتی صدها هزار جوان و مردان خانواده را از قریه جات، ولسوالیها و حتا شهرها برای پیدا کردن لقمه ی نان ترک خانه و کاشانه می کنند، و در چنگال قاچاقبران بین المللی اسیر و صدها نفر آنان غرق دریایا در بندوزندان کشورهای مختلف گرفتار اند. کمتر نیروی جوان را در اطراف می توان یافت که هنوز باقی مانده باشند و پیدا کردن نان شب، به دغدغه اصلی مردم تبدیل شده است.

اکثر جنگسالاران سه دهه اخیر که صدها هزار افغان را به کام مرگ فرستاده اند، هنوز شانه به شانه رییس جمهور ظاهر می شوند و آنگونه که سازمانهای تحقیقی آمریکا اعلام کرده، این جنگسالاران یکجا با «طالبان» و رهبران قبیله ای بیش از هفتاد درصد قلمروی افغانستان را در اختیار خویش دارند. حاکمیت قانون هم فقط در شکل چیزی بیش نیست ... و هزاران هموطن غیرنظامی ماطی این سالها قربانی نامنی شده اند، و صدها خانواده را گلوله های نیروهای خارجی که برای تامین امنیت ما آمده اند، به خاک و خون نشانده اند.

گویی این مردم ستم دیده باید همیشه باکشتن، بستن، بردن و نابود شدن زنده گی نمایند. با رفتن «طالبان» فقط چهره عوض شد. برنامه کار روزانه، سیاست های محلی، اندیشه بنیاد گرایی، جنگ و تفنگ، بردن و کشتن، قنذاق کاری، به زندان انداختن همان بود که در زمان «طالبان» جریان داشت، ولی با دو تفاوت، یکی اینکه این زندانی ساختن و بردن و تسلیم دادن بی گناهان به خارجیان و در زندان های بیگانه ها صورت گرفت و دوم تغیر دستار به پکول و کلاه پوست و چین بود. آمریکاییان با سیاست های دود منشانه خویش - همان دزدان نوکرسفت که با دو پاسپورت افغانی و آمریکایی پکول پوشان فراری که شهر را به ویرانه و کابل را به غمخانه تبدیل نموده بودند بلای جان مردم گردانید. جاه طلبی رهبران فسادپیشه تنها اهرم مصیبت بار بود که استعمار می توانست درین راه از آن بهره برداری نماید. خیانت و خودخواهی اینها کشور را بصورت سرزمین ملک الطوایفی در آورده و در هر گوشه فرمانده، گروه، سردسته و گردنکشی برای خویش پوسته و پاتک و زندان و کشتارگاه ساخته از این طریق قدرت و حاکمیت خود را به نمایش گذاشتند.

همه معتقد شده اند که کرسی در طی بیش از یک دهه حکومت، دیگر فرصت برای جلب اعتماد عمومی ندارد و باید باروپندکش رابسته و راهی کشوری گردد که از آنجابه قندهار دیسانت گردیده بودویابه پیشگاه مردم حساب این یک دهه را پس بدهد. کابل پایتخت کشور که در آن نیروهای پر شمار داخلی و خارجی تامین کننده امنیت، وجود دارند نیز از گزند نا امنی ها، مصئون نمانده و هر هفته مورد حملات انتحاری و فیر راکت قرار می گیرند.

درگیری و بی‌نظمی‌ها نشان می‌دهد که امنیت، روز به روز خراب‌تر شده می‌رود. بدیهی است که اگر دولت به حل این مشکل اساسی فایده‌نماید، در تطبیق پروژه‌های بازسازی و نوسازی، به کامیابی نخواهد رسید. در کشوری که تمام زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی آن، در دوران جنگ سی ساله تخریب شده و مردم، برای قادر شدن به گذران زنده‌گی آبرومندان‌ه خویش، نیاز شدید به بازسازی و اعمار مجدد دارند، امنیت و حسابدهی سران دولت، رهبران تنظیمها، و قوماندانان جهادی ضرورت مبرم به حساب می‌آید.

منطقی و مطلوب است که برای ترویج و نهادینه ساختن حساب‌گیری از دوره مسئولیت‌کسانی که مسئول بوده و هستند، به صورت عاجل گام برداشته شود و نیز اقدامات مؤثر و حساب‌شده در دفاع و حفظ حقوق بشرورسیده‌گی به جنایات سازمان‌یافته و پراکنده با حفظ مصالح و منافع آینده و فعلی کشور صورت بگیرد.

بعد از سقوط «طالبان» و با ورود نیروهای آمریکا، تفنگ‌سالاران جان‌دوباره‌گرفته، یکبار دیگر شریک قدرت شدند. این تقصیرمهم، همچنان برعهده نیروهای خارجی است، زیرا اگر برخی از همسایگان و کشورهای ذی‌دخل، این‌ها را کمک نمی‌کردند، امروز شاهد رشد و جان‌گرفتن دوباره این‌ها به نفع برخی از کشورهای خارجی و به ضرر مردم نبودیم. بنابراین لازم است تا نیروهای بین‌المللی از خود صداقت بیشتری نشان داده با تفنگ‌سالاران و چپاولگران، برخورد قاطعانه و جدی نمایند. تا بدین وسیله برای مردم ثابت شود که خارجی‌ها واقعا قصد بازسازی را دارند.

رئیس‌جمهور باره‌باده فساد زیاد در دستگاه حکومتی و اداری‌اش اعتراف کرد، ولی با صراحت اعلام کرد که دولتش برای بقا و اداره نسبی کشور ناچار است چشم خود را روی برخی فسادهای جاری در حکومت ببندد. کرسی در توجیه دیدگاهش می‌گوید- یکی از فرماندهان قدرتمند محلی به هیچ وجه حاضر نمی‌شد سلاح‌های خود را به دولت مرکزی تحویل دهد و عملاً ناامنی‌های فراوانی را در نواحی تحت کنترل خود به وجود آورده بودند. ما هیچ چاره‌ای در برابر آن فرمانده قدرتمند محلی نداشتیم، تصمیم به مذاکره با او گرفتیم و نتیجه مذاکره این شد که دولت مرکزی ماهانه سی هزار دالر به وی بپردازد و در عوض نیروهای مذکور از هرگونه ایجاد ناامنی پرهیز کنند. در واقع از این نوع فرماندهان متمرّد در نواحی مختلف کشور فراوان به چشم می‌خورند که دولت مرکزی چاره‌ای جز باج‌دهی به آنها ندارد و در غیر این صورت آنها به دشمن می‌پیوندند.

از دیگر شهکاری‌های اداره فعلی، چپاول و تاراج کابل بانک که رسانه‌های خارجی سرمایه‌گزاری و تاجران افغان را از ابعاد مختلف به بررسی گرفته‌اند و روزنامه فایننشیل تایمز به نقل از مسئولان اتحادیه تاجران افغانی در دوبئی نوشته است که سالانه حدود ده میلیارد دالر توسط تاجران در دوبئی و

افغانستان رد و بدل می شود شماری آگاهان معتقداند که بیشتر این پول ها بجای اینکه در داخل کشور سرمایه گذاری شود از افغانستان خارج میگردد.

روزنامه فایننشل تایمز در مقاله ی نوشته است امروز دویی به یک مرکز تجمع ثروتمندان افغانستان تبدیل شده است. سرمایه داران افغان در بزرگترین شرکت های ساختمانی و تجارت ملکیت در دویی سرمایه گذاری کرده اند. وبزرگترین سرمایه گزاری در تجارت ملکیت در دویی متعلق به شیرخان فرنود رئیس کابل بانک است که بالغ بر دوصد میلیون دالر میشود، برخی از تحلیل گران معتقد اند مقدار پول های که از افغانستان به دویی آمده احتمال دارد یکمقدار پول های قانونی باشد، اما مقداری هنگفت دیگری این پول منابع آنها نامعلوم نیست. این روزنامه در ادامه نوشته است در ماه مبارک رمضان هر شام در رستوران نو تاسیس «شایسته» در دویی شمار زیاد افغانها برای روزه افطار جمع می شند و در گرد میز افطار رستوران شایسته در دویی که هر نوع غذای افغانی افطار می کردند که این رستوران به خانواده صافی تعلق دارد که شرکت هوایی صافی نیز از آن ها می باشد. شرکت برادران صافی که متعلق به پسران صوفی قدوس هراتی میباشد و زمانی قراردادی «طالبان» در غرب افغانستان بودند. ظرف دو دهه اخیر از لحاظ مادی رشد چند صد برابر و بی سابقه نموده حالا مالک هتل صافی لندمارک و بزنس سنتر در کابل، مالک خطوط هوایی صافی و بزرگترین واردکننده آهن آلات و روغن کم کیفیت شایسته در افغانستان میباشد.

این روزنامه همچنان نوشته است که یک تعداد دیگر این تجار کسانی هستند که در کابل بانک سهم داشتند. یکی از آن ها برادر رییس جمهور کرزی محمود کرزی است. او می گوید با به قدرت رسیدن «طالبان» در افغانستان هرکسی که پول داشت کشور را ترک کرد که شمار زیاد آن ها به دویی نقل مکان کردند. به گفته او فضای تجارت در دویی با سهولت ها همراه می باشد. او می افزاید در آن وقت تجارت در افغانستان در حال رکود قرار داشت و تاجران راه دیگر نداشتند بجز از این که به امریکا و اروپا و یا دویی بروند. این روزنامه خانواده ثروتمندی دیگر رانیز معرفی کرده افزوده است. یک خانواده ثروتمند دیگر که در تجارت های مختلف در دویی دست دارد خانواده عزیزی می باشد که شرکت آن ها بنام «عزیزی انویست منت» تحت ریاست میرویس عزیزی در بزرگترین شرکت ساختمانی بنام نخیل جبل علی که جزایر خود ساخت در بحر بوده و قیمت ترین منطقه دویی به شمار می رود، سرمایه گذاری کرده است. اما شرکت نخیل به خاطر رکود اقتصادی در دویی با مشکلات روبروست. شرکت تجارتی عزیزی هوتک که مالک عزیزی بانک هم می باشد در واردات نفت به افغانستان سهم عمده دارد. با این وجود به باور شماری از کارشناسان اقتصادی، دویی به مرکز دیگر تجارتی افغان ها تبدیل شده است در همین حال مدیر انستیتوت تحقیقاتی شرق نزدیک و خلیج، تیودور کاراسیک می گوید. نزدیک ترین سیستم بانک داری فعال و ساده برای افغانستان در

دوبی می باشد. پول که به این جا می آید، می تواند قانونی باشد اما یک مقدار آن از درک قاچاق مواد مخدر، رشوت و اخاذی بدست آمده است. به نوشته این روزنامه یک تعداد از تاجران افغان که جای پای خود را در دوبی مستحکم کرده اند، اکنون می خواهند که تجارت های خود را دوباره در افغانستان نیز احیا کنند و یک مقدار پول ها را به کشور انتقال بدهند، اما فساد اداری و رشوت ستانی آن ها را مایوس می سازد. از سوی دیگر با داخل شدن به افغانستان پای آن ها در یک ماجرا و یک نزاع سیاسی کشانیده می شود. شماری از تجار تاکید دارند که از پرداخت رشوت خسته شده اند و این پول دیگر بخشش به شمار نمی رود، بلکه یک اقدام تحریک آمیز و تهدید آمیز برای تاجران می باشد. بر بنیاد یک نظر سنجی انجام شده از سوی اداره مبارزه با فساد و جرایم سازمان ملل متحد، نزدیک به شصت درصد مردم افغانستان می گویند که در زندگی روزمره خود با فساد دولتی دست به گریبانند، و این در حالی است که پنجاه و چهار درصد آنان به مشکلات امنیتی و پنجاه دودرصد برمعضل بیکاری تاکید می کنند. رییس اداره مبارزه با فساد و جرایم ملل متحد، می گوید که به گفته شرکت کنندگان در این نظر سنجی، غیرممکن است که مردم بدون پرداخت رشوه از خدمات دولتی برخوردار شوند، و این امر نه صرفاً یک تصور عمومی بلکه امری بوده است که افراد آن را تجربه کرده اند. این سند بر اساس مصاحبه با هفت هزار و ششصد نفر در دوازده شهر و هزار و ششصد قریه و علاقه داری در سراسر کشور، از سوی اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد تهیه شده است.

از هر دو تبعه کشور، یک نفر آن رشوه داده است که در بیشتر موارد از آنان به صراحت درخواست پول شده است. تهیه کنندگان این گزارش می گویند که متوسط پرداخت رشوت در وطن، سالانه به یکصد و شصت دالر می رسد. بر اساس گزارشها عاید سرانه ناخالص ملی در افغانستان، چهار صد و بیست و پنج دالر است. در طی یکسال، افغانها دو و نیم میلیارد دالر رشوت داده اند که این مقدار پول تقریباً معادل بیست و سه درصد عاید ناخالص ملی است.

و همچنان بیشتر مجریان قانون، (خود از) بزرگترین ناقضان قانونند. حدود بیست و پنج درصد مصاحبه شونده گان در این نظر سنجی گفته اند که حداقل یکبار به پولیس و مقامات محلی و ده درصد دیگر به بخش های قضایی در دولت رشوه پرداخته اند. نتایج این گزارش نشان می دهد که پول، ساختار قدرت های سنتی در افغانستان را به فساد آلوده می سازد. رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد می گوید که عدم اعتماد بر نهاد های دولتی در ارائه خدمات باعث شده تا مردم به جهات دیگر از جمله عناصر ضد دولتی رو بیاورند.

تهدید وجود فساد در کشور را به سرطان تشبیه کرده و گفته است که برای جلوگیری از چنین وضعیتی و پیش از آن که به بیماری علاج ناپذیری بدل شود، باید حامد کرزی، رئیس جمهور

افغانستان، دست به اتخاذ تدابیر قاطع بر اساس کنوانسیون مبارزه با فساد اداری سازمان ملل متحد بزند.

کرزی موجودیت مشکلات در نهاد های عدلی و قضایی میگوید- که مردم از این ناحیه بیشتر رنج می برند. اطمینان مردم بر این نهاد ها باعث شده است که آنان هنوز هم به منظور حل و فصل دعوی شان به سیستم عنعنوی رو آورند.

دللی که هنوز هم مردم افغانستان در دهات و شهر های این کشور به روش های عنعنوی و رسوم اجتماعی برای به دست آوردن عدالت و حل و فصل قضایا مراجعه می کنند این است که نه حکومت توان فراهم آوری آن عدالت را دارد و نه هم رسیده گی به موقع می شود .

www.esalat.org